

**The relationship between the types of interaction (discrete action and continuous action) and cultural capital and symbolic capital (Case study: citizens of Isfahan)**

Abstract

**Objective:** The purpose of this study was to investigate and identify the effect of interactions (continuous interaction, discrete interaction) on cultural capital and symbolic capital in the citizens of Isfahan. **Methods:** The method of the present study was descriptive-correlational in terms of applied purpose and in terms of data collection. The statistical population of this study was people living in 15 districts of Isfahan, which according to the last census conducted in 2016, was 1961260 people. In this study, the sample size was calculated using G \* Power software. The sample size with  $\rho = 0.17$  was 384 and based on the percentage of population in the 15 regions of Isfahan, the number of samples in each region was determined. Sampling was done by quota. In this study, Boholst (2002) Life Scale Questionnaire was used to collect information about life situation; Researcher-made questionnaires were also used for cultural and symbolic capital. **Results:** The results in the descriptive statistics section were analyzed using SPSS-21 software and in the relationships between variables section by structural equation modeling method using Amos software. The results showed that there is a significant positive relationship between the types of interaction and cultural capital and symbolic capital. **Conclusion:** It can be concluded that the more positive and continuous the interaction, the more cultural capital and symbolic capital. In addition, the results of the study showed that there is a relationship between cultural and symbolic capital and interactions, which means that the higher the amount of cultural capital and symbolic capital in individuals, the more positive the interactions.

**Keywords:** Cultural Capital, Symbolic Capital, Interaction, Continuous Interaction, Discrete Interaction

## رابطه بین انواع هم‌کنشی (کنش گسسته و کنش پیوسته) و سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین

اکرم قرشی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۸

دکتر منصور حقیقتیان<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

دکتر سیدعلی هاشمیان فر<sup>۳</sup>

## چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی و شناسایی تأثیر انواع هم‌کنشی (کنش متقابل پیوسته، کنش متقابل گسسته) بر سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین در شهروندان شهر اصفهان بود. روش پژوهش: روش پژوهش حاضر برحسب هدف کاربردی و برحسب جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش افراد ساکن در مناطق ۱۵ گانه اصفهان بود که طبق آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۵ انجام شده است، ۲۱۱۲۷۶۷ نفر بود. در این پژوهش حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار G\*Power محاسبه شد. میزان حجم نمونه با  $p=0/17$ ،  $\alpha=0/05$  به دست آمد و بر اساس درصد جمعیت مناطق ۱۵ گانه اصفهان، تعداد نمونه در هر منطقه مشخص گردید. نمونه‌گیری به صورت سهمیه‌ای انجام شد. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به موقعیت زندگی از پرسشنامه مقیاس موقعیت زندگی بوهلست (۲۰۰۲) استفاده شد؛ همچنین برای سرمایه فرهنگی و نمادین از پرسشنامه‌های محقق ساخته استفاده شد. یافته‌ها: یافته‌ها در بخش آمار توصیفی با استفاده از نرم‌افزار SPSS-21 و در بخش روابط بین متغیرها به روش مدل معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار ایموس تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد بین انواع هم‌کنشی و سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین رابطه مثبت معناداری وجود دارد. نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت هرچقدر هم‌کنشی به صورت مثبت‌تر و پیوسته‌تر باشد، سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین بیشتر است. علاوه بر این نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین سرمایه فرهنگی و نمادین و هم‌کنشی‌ها رابطه وجود دارد، به این معنی که هرچقدر میزان سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین نزد افراد بیشتر باشد، هم‌کنشی‌ها نیز مثبت می‌شود.

کلمات کلیدی: سرمایه فرهنگی، سرمایه نمادین، کنش متقابل، هم‌کنشی پیوسته، هم‌کنشی گسسته

<sup>۱</sup>دانش آموخته، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

<sup>۲</sup>عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی، دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، ایران، (نویسنده

مسئول)

<sup>۳</sup>عضو هیأت علمی دانشکده علوم انسانی، گروه جامعه‌شناسی، دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (مشاور)

کنش اجتماعی واحد اساسی و سلول بنیادین در مطالعات اجتماعی به حساب می‌آید. امتیاز انسان بر سایر موجودات در آن است که نحوه و ماهیت رفتارهای او نسبت به سایر موجودات متفاوت است. به عبارت دیگر انسان‌ها به گونه‌ای عمل می‌کنند که موجودات دیگر توانایی انجام آن را ندارند. رفتار انسان‌ها همواره با تفکر، اندیشه و تدبیر همراه است از این رو می‌توان گفت: عمل به معنای رفتار معنی‌دار و آگاهانه است؛ اما از سوی دیگر تلاش انسان برای ایجاد و برقراری ارتباط و رابطه با سایر اعضای جامعه به میل طبیعی او به اجتماعی زندگی کردن مربوط می‌شود. به عبارت دیگر این تمایل انسان‌ها را به سوی ایجاد روابط با دیگران سوق داده و موجبات تداوم حیات اجتماعی جوامع را فراهم می‌سازد. به سخن دیگر کنش به عنوان ابتدایی‌ترین عنصر مشترک زندگی اجتماعی بشری دربرگیرنده یک مجموعه رفتارهایی است که انسان‌ها برای رسیدن به اهداف معین نسبت به یکدیگر انجام می‌دهند (کوزر، ۱۳۹۹).

از نظر وبر رفتار و کنش هر دو متضمن آن چیزباند که افراد بر مبنای روزانه انجام می‌دهند. با وجود این، رفتار بدون فکر یا فکر کم روی می‌دهد، حال آن که کنش نتیجه فرایندهای آگاهانه است. جامعه‌شناسی از نظر مارکس وبر عبارت از علمی است که سعی دارد روابط متقابل میان کنشگران اجتماعی را بفهمد. وبر جامعه‌شناسی را باید بر افراد، و نه جمع‌ها متمرکز شود. گپرو شه، بر اساس همین تعریف وبر، سه ویژگی کنش اجتماعی را چنین برمی‌شمارد: اول اینکه افراد باید رفتار دیگران و حضور یا وجود آنها را در نظر داشته باشند. رفتار دو کودکی که در کنار یکدیگر بازی میکنند و هر کدام به فعالیتی کاملاً مستقل از دیگری می‌پردازد، هنوز ویژگی اجتماعی ندارد. ویژگی دوم، معناداری کنش است؛ یعنی کنش فرد باید برای دیگری معنایی داشته باشد و کنش دیگری نیز برای خود فرد، معنایی داشته باشد. به عبارت دیگر، صرف در نظر داشتن دیگری کافی نیست؛ بلکه فرد باید با کنش خود نشان دهد که انتظارات دیگران را فهمیده است و قصد دارد به آن، واکنش مثبت یا منفی نشان دهد. ویژگی سوم این است که کنش فرد باید در واقعیت از این معانی مبادله شده متاثر شود (روشه، ۱۳۹۶).

به تعبیر روشه دو ویژگی اول در ذهن کنشگر رخ میدهد و ویژگی سوم، تلفیق و ظهور ویژگی اول و دوم در بیرون است. بدین ترتیب آشکار می‌شود که وبر در تعریف کنش اجتماعی، برای ذهنیت و آگاهی اهمیت اساسی قایل بود. اما از نگاه دورکیم کنش اجتماعی «قواعد رفتار، احساس و تفکر است که خارج از فرد می‌باشد و دارای قوه اجبار است و خود را بر فرد تحمیل میکند» (دورکیم، ۱۳۹۴). وی برخلاف وبر ویژگیهای کنش اجتماعی را نه در حالات ذهنی افراد، بلکه در واقعیت‌های خارجی بیرون از افراد جستجو میکند. او بیرونی بودن، اجباری بودن و عمومی بودن را سه ویژگی کنش اجتماعی میدانند. دورکیم وجدان جمعی (حالات عمل، احساس و تفکر مشترک یک جامعه) را در مقابل وجدان فردی (حالات عمل، تفکر و احساس یگانه فرد) قرار میدهد. البته این تقابل را خود فرد احساس نمیکند؛ زیرا وجدان فردی، همان وجدان جمعی درونی شده است. بدین ترتیب او ابتدا میان امر روانی و امر اجتماعی شکافی ایجاد میکند، ولی در گام بعدی آن را پر میکند. در واقع امر اجتماعی در نگاه دورکیم وسعت مییابد و درون و بیرون افراد انسانی، اجتماعی میشود و جدای از جامعه از هیچگونه هویتی برخوردار نیست (عیوضی، ۱۳۹۳).

یکی از متغیرهایی که بر روی کنشها تاثیر میگذارد و متقابلاً از کنشها تاثیر میپذیرد، سرمایه‌های فرهنگی و نمادین است. به گفته بوردیو فعالیتهای اجتماعی انسان تحت تأثیر میدانها و عادتوارهایی است که ساختارهای ذهنیمان را شکل بخشیده‌اند (کنعانی و همکاران، ۱۳۹۳). این سرمایهها خود نیز تأثیرات متقابلی بر روی همدیگر دارند. مطالعاتی که در دو دهه اخیر درباره مفهوم سرمایه

انجام شده بخش قابل توجهی از تولیدات نظری جدید در جامعه‌شناسی را به خود اختصاص داده است و از این رو شاهد توسعه چشمگیر کمی و کیفی در مطالعات انواع سرمایه بودهایم (شریفیان ثانی، ۱۳۸۵).

مفهوم سرمایه ارتباط تنگاتنگی با ویژگی‌های روانی دارد. هرچند افرادی چون دورکیم تعصب بیشتری روی شی انگاشتن پدیده‌های اجتماعی دارند و هیچگونه تبیین روانی را نمی‌پذیرند؛ اما یکی از رویکردها به پدیده‌های اجتماعی، رویکردهای روانی است. رویکردی که معتقد است جامعه‌شناسی اصولاً باید مبتنی بر توجهات و تحقیقات روانی باشد و پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی کلاً تابع و تحت تاثیر عوامل روانی است، این عده را طرفداران مکتب روانی جامعه‌شناسی یا روانشناسی اجتماعی مینامند (مانند تارد، کولی، مید، سامنر، پارک، برجس، توماس و مک دوگال). بنابراین خیلی دور از ذهن نیست که مفاهیم سرمایه و همچنین بحثهای مربوط به کنشها و انواع آن، با متغیرهای روانشناسی تبیین شود. یکی از این دیدگاههای نظری روانشناسی اجتماعی که به موضوع کنشها مربوط میشود نظریه اریک برن است. نظریه تحلیل رفتار متقابل اریک برن که مورد استفاده برخی جامعه‌شناسان برای تبیین همکنشی بود، بر این پایه استوار است که هر جا که انسانها حضور داشته باشند، کنش بین انسانها نیز وجود خواهند داشت، و این کنشها از احساسات و نگرشها و طرحهای رفتاری طرف مقابل متاثر خواهد بود. توانایی افراد جامعه در برقرار کردن ارتباطات سالم و در نتیجه کنش های مثبت و سازنده، سلامت روح و روان اجتماعی را ایجاد میکند.

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده و خلا تحقیقاتی در خصوص میزان انواع همکنشی شهر اصفهان و ارتباط آن با سرمایه فرهنگی و نمادین تحقیق حاضر به دنبال بررسی این سوال هاست که آیا بین هر یک از دو شکل هم کنشی گسسته و هم کنشی پیوسته با سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین ارتباط معناداری وجود دارد؟ سهم تاثیر گذاری انواع همکنشی بر سرمایه فرهنگی و نمادین چقدر است؟

#### مبانی نظری

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، محله‌های شهری در نظام روابط و تعاملات اجتماعی دارای جایگاه ویژه‌ای بودند. روابط چهره به چهره، روابط اجتماعی، برطرف کردن نیازهای همسایگان، همیاری و احساسات تعلق از مهم‌ترین ویژگی‌های این محلات به شمار می‌رود. در صورتی که امروزه، از هم‌گسیختگی روابط اجتماعی در شهر، شهرنشینی، کاهش همیاری و تعاون، ضعف در حمایت‌های اجتماعی موجب اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی و تشدید مشکلات و نابهنجاری‌های مختلف گردیده است. اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ‌یک از ارزش‌های اجتماعی، مانند عدالت، امنیت، سعادت و آزادی، محقق نمی‌شوند. ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بعد از اینکه از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق پیدا کردند، شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی دیگر، یعنی جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را ضروری می‌سازند تا ارزش‌ها و هنجارها از این طریق به افراد منتقل شوند. افراد نیز با انجام کنش‌های خود بر اساس ارزش‌ها و هنجارها، به آن‌ها تداوم می‌بخشند. تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان به همین طریق ساخته می‌شوند. پدیده‌های اجتماعی با کنش‌های اجتماعی ما به وجود می‌آیند و خود برکنش‌های اجتماعی ما تأثیر می‌گذارند.

کنشگران در فرایند کنش متقابل اجتماعی با تکیه بر سرمایه‌هایی که در اختیار و یا در دسترس خود دارند، شرکت میکنند و دایم در حال تولید و بازتولید آن سرمایه‌ها می‌باشند. سرمایه جای جای جامعه را پر کرده است، افراد و سازمانها دارای سرمایه می‌باشند ولی میزان کم یا زیاد آن و جهت مثبت و منفی آن متفاوت است. پیر بوردیو به سه نوع سرمایه اعتقاد دارد: سرمایه اقتصادی که معمولاً به صورت دارایی و پس‌انداز جلوه‌گر می‌شود. سرمایه فرهنگی که به صورت تحصیلات و تخصص جلوه‌گر می‌شود و سرمایه اجتماعی که در مجموع منابع بالقوه و بالفعل که در نتیجه دارا بودن شبکه بادوامی از روابط کم‌و بیش نهادینه‌شده از

آشنایی‌های متقابل بین افراد پدید می‌آید (یعنی منافی که شخص از مشارکت‌های گروهی‌اش به دست می‌آورد (پورتز، ۱۹۹۸). سرمایه را می‌توان اصولاً به چهار مقوله تفکیک کرد: سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی (انواع روابط ارزشمند با دیگران)، سرمایه فرهنگی (انواع و اقسام معرفت مشروع) و سرمایه نمادین (شخصیت و افتخار اجتماعی) (جنکینز، ۱۳۹۵). در کشورهای پیشرفته (آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه، روسیه و...) برای طبقه‌بندی طبقات اجتماعی، انواع سرمایه‌ها را مدنظر قرار می‌دهند و همین‌طور سازمان ملل متحد (UN) نیز برای به دست آوردن میزان توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی کشورها تمامی سرمایه‌های جامعه را مدنظر قرار می‌دهد.

در نظر جامعه‌شناسان مختلفی همچون بوردیو، فرض بر این است که سرمایه‌ها باهم در ارتباط هستند و انواع سرمایه قابل تبدیل به همدیگر می‌باشند، ولی نرخ تبدیل آن‌ها متفاوت است (نامدار، ۱۳۹۳).

با توضیحات فوق مشخص می‌شود که کنشها با انواع سرمایه‌ها مرتبطند، اما مسئله موجود تبیین این کنشها در یک چهارچوب نظری است.

تامس هریس هم کنشی را مبتنی بر روان‌شناسی تحلیل رفتار متقابل اریک برن ارائه کرده است (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۹). تحلیل رفتار متقابل براساس فرضیه‌های فلسفی خاص استوار شده است. این پیشفرضها عباراتی درباره انسان، زندگی و هدف از تغییر در زندگی را منعکس می‌سازند. این فرضیات فلسفی را میتوان در سه عبارت خلاصه کرد:

۱. «همه انسانها خوب هستند». هر فردی ارزشمند و قابل احترام است. این حالت مربوط به ارزشمندی ذات و جوهره اصلی فرد است نه رفتار او. گاهی اوقات ممکن است ما آنچه را فرد انجام میدهد قبول نداشته باشیم اما همیشه به خود فرد احترام گذاشته و او را در مقام انسان می‌پذیریم. در روابط حاصل از تحلیل رفتار متقابل، این پیش فرض موجب می‌شود کنشگران در یک جایگاه مساوی قرار گیرند نه اینکه یکی بالاتر باشد. این پیش فرض معادل «توجه بی قید و شرط» راجرز است (استوارت، ۲۰۰۷). در واقع تحلیل رفتار متقابل به این پیش فرض معتقد است که من و تو هر دو ارزشمند و گرانبه‌ایم؛ من خود را همان‌طور که هستم می‌پذیرم و تو را همان‌طور که هستی.

۲. «همه از سانها توانایی فکر کردن را دارند». همه افراد به جز آنهایی که ضایعات مغزی دارند، توانایی فکر کردن دارند. بنابراین هر فردی توانایی این را دارد که در مورد آن چه از زندگیش انتظار دارد، تصمیم بگیرد. هر فرد مسئولیت پیامدهای ناشی از تصمیم‌های خودش را بر عهده دارد (سوارت، ۲۰۱۰). در واقع هر یک از ما مسئولیم درباره فعالیت‌هایمان فکر کنیم و آن را مشخص سازیم. یعنی بفهمیم از زندگی چه می‌خواهیم، زیرا نهایتاً هر فرد با پیامدهای تصمیم خود زندگی میکند.

۳. «الگوهای تصمیم‌گیری». این پیش فرض تحلیل رفتار متقابل معتقد است هر فردی در مورد افکار، احساسات و رفتارهای خود و در نهایت در مورد سرنوشت خود تصمیم‌گیری خاص خود را دارد. هیچ فردی را نمیتوان وادار کرد که به شیوه خاصی فکر کند یا احساس خاصی داشته باشد مگر اینکه تحت تأثیر اجبار محیط فیزیکی قرار بگیرد. در واقع همه افراد مسئول احساسات و رفتارهای خودشان هستند.

هرچند نظریات اصلی تحلیل رفتار متقابل مشتمل بر پنج بخش اصلی است: «من خوب هستم، تو خوب هستی»، «نمایشنامه زندگی و کلک زندگی»، «حالات من و ارتباط متقابل»، «مفهوم تغییر» و «نوازش» میشود، اما در این پژوهش بنابر ماهیت موضوع، یعنی همکنشی، بر روی «وضعیت‌های زندگی و ارتباط متقابل» تمرکز خواهیم کرد. اریک برن نظریه‌اش را بر اساس مفاهیم حالات

من و وضعیتهای زندگی قرار داد. برخی نویسندگان تحلیل رفتار متقابل آنها را وضعیتهای وجودی مینامند. وضعیتهای زندگی نشاندهنده موقعیت اساسی هستند که شخص نسبت به ارزش اساسی که در خود میابد، پیدا میکند. این معنایی بیش از این دارد که شخص صرفاً نظری در مورد رفتار خود و دیگران داشته باشد. زمانی که فرد یکی از وضعیتهای را برمیگزیند، احتمال دارد که پیشنویس زندگی خود را به گونهای بنا نهد که با آن وضعیت خاص هماهنگی داشته باشد، در واقع این پیشنویسها بر روی کنشهای افراد با همدیگر تاثیر میگذارد. بنابراین مسائلهای که با آن روبرو هستیم، این است که این وضعیتهای چه تاثیری بر روی همکنشهای مثبت و همکنشهای منفی میگذارد، و نیز اثر آنها بر انواع سرمایهها چگونه است. در واقع تاثیر انواع وضعیتهای زندگی بر نوع برخورد و کنشوری متفاوت افراد و همچنین تاثیر دوجانبه انواع سرمایه بر آن، موجب شده پژوهشگر بدنبال تحلیل روابط انواع وضعیتهای بر انواع کنشوری در جامعه شهری اصفهان باشد. کوتاه سخن اینکه مسائلهای که در این پژوهش با آن روبرو هستیم این است که بین انواع حالتی من و انواع سرمایه ارتباطاتی وجود دارد یا نه؟

زندگی اجتماعی صحنه تجلی انواع ارتباطات و تعاملات اجتماعی میان افراد است؛ افرادی که عقاید گوناگونی دارند، بهممنظور تحقق اهداف اجتماعی، ضروری است بتوانند اندیشههای خود را با دیگران مبادله و چشمانداز دیگران را درک کنند. به بیانی دیگر، به نحو معنی داری، با یکدیگر کنش کنند (ویندل و وارن، ۲۰۱۱). امروزه در کشور ما خصوصاً در کلان شهرها به دلایل مختلف مشکلات و مسائل شهرنشینی از جمله تنشها و رقابتهایی که افراد بر سر منابع قدرت، پول، ثروت و سرمایه و... دارند، شاهد تعاملات و کنشهای منفی افراد در جامعه هستیم. سرمایهها، خصوصاً سرمایه اجتماعی از جمله پدیدههایی هستند که زمینه بروز و ظهور آنها در جامعه، ارتباطات میان افراد و شبکههای اجتماعی است. به عبارتی سرمایهها در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... ریشه دارند که نتیجه پیامدها و کنشهای متقابل در جامعه محسوب می شوند. طی سالهای اخیر دور باطلی از تحولات توسعهای منفی در این زمینه در ایران شکل گرفته است که به صورت مواردی از قبیل کاهش اعتماد متقابل، افول هویت، خودمحوری، ضعیفکشی، کاهش تعهدات جمعی و وجدان جمعی، سردی روابط و... نمود کرده است که در نتیجه شکلگیری کنشهای منفی در اجتماع، تعاملات و همکنشهای منفی، منجر به ایجاد سرمایههای منفی و یا کاهش آنها گردیده که علاوه بر آسیب به روح و روان جمعی، پیامد عدم رشد و توسعه را نیز ایجاد می کند. بنابراین بررسی اهمیت و ضرورت کنشها در نتیجه رسیدن به انواع سرمایههای مثبت و سازنده در اجتماع در تمامی سطوح خرد، میانی و کلان و در ابعاد مختلف عرصههای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای دستیابی به یک اجتماع سالم و توسعه پویا ضرورت می یابد. با توجه به اهمیت سرمایهها و ارتباط آن با کنشهای افراد، تبیین این کنشها و بررسی پیامدهای آنها مهم هستند، چرا که احتمالاً بتوانیم با تبیین انواع کنش و نقش آن در سرمایه و به ویژه سرمایههای اجتماعی و فرهنگی، با طرح ریزی و آموزش نحوه کنشهای مثبت به افراد، از پیامدهای مثبت آن منتفع گردیم. برای تبیین هر مفهوم اجتماعی نیاز به نظریههایی داریم که آن مفهوم را در چهارچوب آن نظریه تبیین کنیم. تحلیل رفتار متقابل نظریه ای است که برای شناخت رفتار افراد در بستر روابط شخصیتها، ساختاری روانی انسانها و زمینههای اجتماعی را مورد بررسی قرار می دهد و راهکارهایی ارائه می دهد که افراد در جامعه به دور از تنشها روحی و رفتاری با الگوی بهتری به کنش با یکدیگر بپردازند و روابط سالم و بهتری در جامعه برای خود و اطرافیان ایجاد کنند. به دلیل اینکه شهرها بستر رشد رفتارهای انسانی و اجتماعی و بازتولید پیچیدگی رفتارهای شهروندی و کنشهای افراد هستند، انجام این پژوهش در یکی از کلانشهرهای ایران، یعنی اصفهان، به دلیل تفاوت فرهنگی موجود در آن قابل توجه است. آمار ارقام در بحث سرمایه در رابطه با سرمایه های شهر اصفهان نشانگر اهمیت این مطالعه است. متوسط عامل و ساطت اجتماعی برای استان اصفهان ۳/۸۱ بود که میتوان نتیجه گرفت، به لحاظ عامل و ساطت اجتماعی در وضعیت مطلوب قرار دارد. برای مشارکت در تشکل سیاسی ۱/۱۹ که

نشان دهنده کمترین مقدار است. میانگین ایثارگری اجتماعی برای استان برابر با ۲/۹۵ و بر اساس مرزهای تعریف شده بر روی مرز و وضعیت نامطلوب و وضعیت مطلوب قرار گرفته است که در مجموع حاکی از یک وضعیت میانه در رابطه با مولفه ایثارگری اجتماعی در استان است. میانگین ۳/۷۲، ۳/۶۱ و ۳/۴۷ به ترتیب برای مولفه های احساس اثربخشی فردی، توانایی حل مشکلات محیط زندگی نشان می‌دهد که براساس گروه بندی انجام شده بر روی مقیاس احساس اثرگذاری و کارایی، متوسط استان در هر سه مولفه در گروه یا حالت مطلوب قرار گرفته است. (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵).

#### پیشینه

پژوهشهای انجام گرفته درباره‌ی تحلیل رفتار متقابل و انواع سرمایه، طیف گسترده‌ای از موضوعات را در بر می‌گیرند که در زیر به آنها اشاره شده است.

مطالعه‌ی مولسوورث، گریگور و جنکینز (۲۰۱۸) با پیشنهاد تحلیل رفتار متقابل برن به‌عنوان روشی برای کشف روانشناسی بیوگرافی به آگاهی از ساختارهای روابط بازار و احساسات همراه آن‌ها و ارائه نقد چنین ترتیباتی می‌پردازد. تحلیل رفتار متقابل به‌عنوان نظریه بیوگرافی روانشناسی مفید بوده و بر ساختارهای رایج روابط در یک روش قابل سترس تأکید دارد. این بررسی و تحلیل نشان‌دهنده‌ی این احتمال هست که فرهنگ مصرفکننده‌ی ما، حداقل تا حدی، در شکل رایج آن وجود دارد. از این رو، فرصت اندکی برای جنبه‌ی بسیار مثبت به‌کارگیری تحلیل رفتار متقابل در بازاریابی وجود دارد که ارزش کار بیشتر در راستای بازگشت جاری به روانکاوی در بازاریابی را دارد. می‌توان بر اساس نظریه‌ی برن اینگونه بیان کرد که تشخیص بازیها بایستی منجر به انعکاس و بازتابی گردد که رفتار را تغییر داده و افراد و سازمانها را از نمایشنامه‌های سرکوبگر و ناراحتکننده و خودکامگی و استبدادی از میراث والدین و کودک، رها سازد.

اولکر دورتپه و کسر (۲۰۱۶) در مطالعه‌ی به استفاده از روش تحلیل رفتار متقابل از لحاظ ارتباط پرستاران با بیماران پرداختند. دارا بودن دانش و مهارت در شیوه تحلیل رفتار متقابل درون فرآیند ارتباطات درمانی ایجادشده با بیمار می‌تواند در تسهیل این فرآیند مؤثر واقع شود. اینکه پرستاران دارای اطلاعات بوده و درباره شیوه‌ی تحلیل رفتار متقابل به تحقیق بپردازند می‌تواند مهارت‌های ارتباط موفق را با تأثیر بر ارتباط با بیمار و محیط، افزایش دهد. شیوه‌ی تحلیل رفتار متقابل در فرآیند ارتباط پرستار-بیمار مؤثر هست. پرستار می‌تواند تجارب گذشته‌ی فرد و حالتهای من را بررسی کرده و بداند که کدام تبادلات و روابط به‌کاررفته و کدامیک مرتبط با بیمار است. تحلیل رفتار متقابل هم در طی درمان و هم در فرآیند ارتباط در ارتباط بین بیمار- پرستار مؤثر و سودمند است.

یکی از تحقیقات خارجی انجام شده در این زمینه توسط کاواچی<sup>۴</sup> و همکارانش با عنوان «سرمایه اجتماعی، نابرابری و مرگ و میر» در سال ۲۰۱۵ در آمریکا صورت گرفت. فرضیه آن‌ها اینگونه مطرح شد که نابرابری درآمد در جامعه باعث کاهش همبستگی اجتماعی می‌شود و به دنبال آن وضعیت عدم سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی بروز می‌کند و تداوم این امر، مرگومیر را در جامعه افزایش می‌دهد. در این تحقیق برای سنجش سرمایه اجتماعی، مشارکت مدنی و میزان اعتماد متقابل را مورد سنجش قرار دادند و داده‌های این پژوهش با روش رگرسیون حداقل مجزورات تجزیه و تحلیل شده‌اند. نتایج حاکی از آن بود که ایالت‌هایی که سطح بیاعتمادی اجتماعی در آن‌ها بالاتر بود از لحاظ مرگومیر نیز سطوح بالاتری را به خود اختصاص داده بودند. همچنین عضویت گروهی به‌طور معکوس و معنیداری با نرخ مرگ و میر مرتبط بود.

سویتونگ (۲۰۱۱) مطالعه خویش دریافت که اول، سرمایه اجتماعی، به معنای کلی، مشارکت مردم در سیاست محلی را گسترش نمیده‌د. دوم، همه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی عملکرد نهادی دولت محلی را ارتقاء نم‌دهند؛ یعنی شبکه‌های درگیری محلی و اعتماد تعمیم یافته قادر نیستند عملکرد نهادی مؤثر دولت محلی را افزایش دهند؛ و سوم، مشارکت سیاسی شهروندان و عملکردهای نهادی، رابطه مثبتی با هم ندارند.

کریستوفرو در تحقیقی به بررسی عوامل تعیین کننده سرمایه اجتماعی در کشورهای اتحادیه اروپا میپردازد. تحلیل نتایج نشان داد که عوامل فردی و کلان مانند جنس، وضعیت ازدواج، سن، درآمد، وضعیت شغلی، جنسیت، تولید ناخالص داخلی، بیکاری و نابرابری درآمدی بر شکلگیری سرمایه اجتماعی تأثیر گذار میباشند (چریستوفرو، ۲۰۰۵).

علامه و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به ارزیابی تأثیر آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر شادکامی مردان متأهل مراجعهکننده به مراکز مشاوره و فرهنگسراها پرداختند. نتایج این پژوهش نشان دادند که آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بهخوبی موجب افزایش رضایت از زندگی، لذت، عزت نفس، آرامش، کنترل و کارآمدی مردان متأهل شرکت کننده در گروههای آزمایشی نسبت به گروه کنترل شد و افزایش شادکامی آنها را در بر داشت.

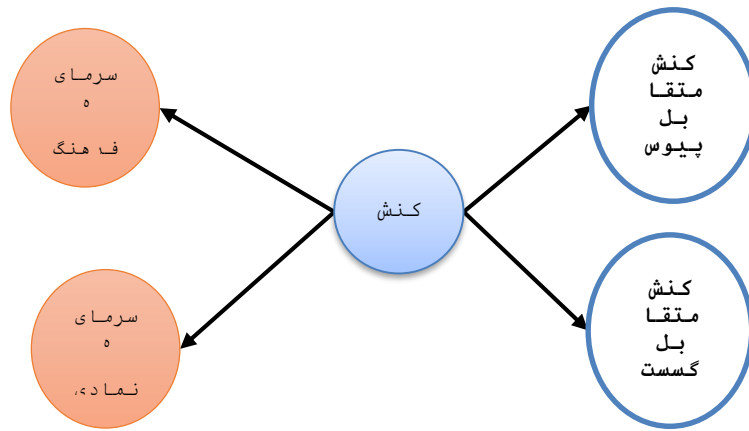
حبیب پور و موسوی (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان قم پرداختند. یافته های این تحقیق نشان داد بین همه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان قم رابطه مثبت وجود دارد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره، از بین مجموع چهار متغیر پیش بین اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، آگاهی و مشارکت اجتماعی غیررسمی، تنها دو متغیر آگاهی و مشارکت اجتماعی غیررسمی اثر مستقیمی روی مشارکت سیاسی دارند که در این بین، سهم متغیر آگاهی بیشتر از مشارکت اجتماعی غیررسمی است، اما نتایج تحلیل مسیر نشان داد که تمامی این چهار متغیر توانسته اند به یکی از سه شکل مستقیم، غیرمستقیم و توأمان (هم مستقیم و هم غیرمستقیم) روی مشارکت سیاسی شهروندان قم تأثیر بگذارند که از بین آنها، بیشترین تأثیر به ترتیب مربوط به متغیرهای آگاهی، مشارکت اجتماعی غیررسمی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی بوده است

یوسفی و کریمی (۱۳۹۴) در پژوهشی خود به مطالعه بررسی الگوی ارتباطی مدیران دبیرستانهای شهر اصفهان بر اساس نظریه تحلیل متقابل اریک برن پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد مدیران آموزشی شهر اصفهان در ارتباط با همکاران خود از الگوی ارتباطی (من بالغ) و (من والد) بیشتر از حد متوسط و از الگوی (من کودک) کمتر از حد متوسط بهره میجویند.

ماجدی و لهسایی زاده (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با کنش جمعی در مناطق روستایی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که از میان شاخص های سرمایه اجتماعی اعتماد بالاترین تأثیر را بر کنش جمعی داشته و از میان عوامل تعیین کننده و مؤثر توانمندی، تعلق به مکان و ارتباطات بیش ترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی داشته اند. علاوه بر آن نتایج نشان داد، که هشت متغیر: تعداد اعضای خانوار، سطح تحصیلات سرپرست، شاخص ثروت، مالکیت منزل مسکونی، تعلق به مکان، توانمندی، ارتباطات و نوع روستا از سیزده متغیر در نظر گرفته شده به عنوان تعیین کننده سرمایه اجتماعی رابطه معنا داری با سرمایه اجتماعی داشته و سرمایه اجتماعی هم تأثیرگذار بر کنش جمعی بوده است.



بنابراین در این پژوهش با توجه به استفاده از پیشینه ارزشمند محققانی که در این زمینه فعالیت داشته اند، بر اساس دیدگاه جامعه شناختی و با استفاده از میدان‌های بوردیو به این مسئله پرداخته شد که پیامدهای اجتماعی انواع هم کنشی در جامعه چه تأثیراتی را



در میدان‌های سرمایه فرهنگی نمادین در سطح شهر به وجود می‌آورد.

شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

فرضیات پژوهش

۱. بین انواع هم کنشی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد.
۲. بین انواع هم کنشی و سرمایه نمادین رابطه وجود دارد.
۳. تأثیر انواع هم کنشی در بین زنان و مردان بر روی انواع سرمایه متفاوت است.

روش شناسی جامعه آماری و حجم نمونه

این پژوهش از نوع روش تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش افراد ساکن در مناطق ۱۵ گانه اصفهان میباشند که طبق آخرین سرشماری که در سال انجام شده است ۱۹۶۱۲۶۰ نفر میباشند. در پژوهش حاضر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به صورت تصادفی ساده انتخاب شد که با استفاده از نرم‌افزار **G\*Power** حجم نمونه ۳۸۴ نفر بدست آمد، و سپس سهم هر منطقه با نمونه‌گیری متناسب با حجم مشخص گردید. با توجه به این که شهرستان اصفهان دارای ۱۵ منطقه میباشد حجم نمونه متناسب با درصد جمعیت مناطق ۱۵ گانه اصفهان در هر منطقه به دست آمده است. جدول ۱ ترکیب حجم نمونه متناسب با حجم جامعه آماری را نشان داده شده است:

جدول ۱. توزیع جمعیت نمونه به تفکیک منطقه شهری؛ منبع: مرکز آمار ایران ۱۳۹۵

مناطق شهری	تعداد جمعیت	درصد جمعیت	تعداد نمونه منطقه
منطقه ۱	۸۵۱۵۱	۴ %	۱۵
منطقه ۲	۷۲۹۰۸	۵/۲ %	۱۰
منطقه ۳	۱۱۷۳۳۷	۶/۴ %	۱۸
منطقه ۴	۱۴۴۰۳۳	۸/۶ %	۲۶
منطقه ۵	۱۶۲۵۳۱	۷/۷ %	۳۰
منطقه ۶	۱۲۰۶۱۳	۶/۵ %	۲۱

منطقه ۷	۱۸۱۷۶۲	۶/۸٪	۳۳
منطقه ۸	۲۵۸۳۹۱	۳/۱۲٪	۴۷
منطقه ۹	۸۶۳۸۰	۴/۷ %	۲۸
منطقه ۱۰	۲۲۳۸۶۳	۶/۱۰ %	۴۲
منطقه ۱۱	۶۳۳۸۶	۳٪	۱۱
منطقه ۱۲	۱۴۶۶۷۸	۸/۶ %	۲۶
منطقه ۱۳	۱۴۲۳۱۷	۵/۶ %	۲۵
منطقه ۱۴	۱۷۶۰۶۲	۴/۷ %	۲۸
منطقه ۱۵	۱۳۱۳۵۴	۲/۶ %	۲۴
جمعیت کل	۲۱۱۲۷۶۷	۱۰۰ %	۳۸۴

### مقیاسهای سنجش

برای سنجش انواع همکنشی در پژوهش حاضر از پرسشنامه مقیاس موقعیت زندگی که شامل ۴ وضعیت (من +، من-؛ تو+، تو-) هست توسط اریک بو هولست (۲۰۰۲) اجرا شده است. نمره گذاری با طیف لیکرت انجام می شود، در بخش های من+ و تو+ (۵) = همیشه، ۴ = اغلب اوقات، ۳ = گاهی اوقات، ۲ = به ندرت و ۱ = هرگز). و نمره گذاری بخش های من- و تو- (۱ = همیشه، ۲ = اغلب اوقات، ۳ = گاهی اوقات، ۴ = به ندرت و ۵ = هرگز). برای سنجش سرمایه فرهنگی از پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو استفاده شد. پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو ۲۲ سوال داشته و هدف آن سنجش ارزشها و نمودهای فرهنگی و هنری در سه شاخص: ۱- تجسم یافته یا سرمایه بدنی و فردی (مهارت ذهنی، مهارت در بیان مطالب در سی) ۲- عینی (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر) ۳- نهادی (مدارک تحصیلی) می باشد. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور، خوب ارزیابی و تایید شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه محاسبه شد که مقدار آن برابر با ۸۵/۷ درصد بدست آمد. بنابراین می توان گفت که پرسشنامه طراحی شده برای انجام این پژوهش از قابلیت اعتماد کافی برخوردار می باشد. برای متغیر سرمایه نمادین فرهنگی نیز از پرسشنامه (قاسمی و نامدار جویمی، ۱۳۹۳) استفاده شد.

برای سنجش روایی صوری از توافق نظر متخصصان (استاد مشاور و راهنما) استفاده شده است و روایی صوری این پرسشنامه تأیید شده است. در این پژوهش برای محاسبه پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است. دامنه تغییرات بین ۰ تا ۱ می باشد و هر چه آلفای به دست آمده به ۱ نزدیکتر باشد، ابزار سنجش از پایایی بیشتری برخوردار خواهد بود. نتایج آلفای کرونباخ در جدول ۱ آورده شده است. بنابراین با استفاده از آمار توصیفی به بررسی ویژگی جامعه آماری و سپس به آزمون فرضیهها متناسب با سطح سنجش آنها با کمک نرم افزار SPSS پرداخته می شود و به منظور روابط علت و معلولی بین متغیرها و مؤلفه های مورد بررسی با استفاده از نرم افزار ایموس معادلات ساختاری روابط بین متغیرها مدل سازی می گردد.

جدول ۲. آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	تعداد گویهها	آلفای کرونباخ
سرمایه فرهنگی	۹	۷۲.۰
سرمایه نمادین	۸	۸۱.۰
کنش اجتماعی	۲۰	۸۳.۰

توصیف ویژگیهای نمونه پژوهش

در این قسمت ابتدا از آمار توصیفی به منظور بررسی خصوصیات و ویژگیهای نمونه آماری استفاده شده است که این ویژگیها در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۳. تحلیل توصیفی نمونه ها

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۸۴	۴۶
	زن	۲۱۶	۵۴
سن	زیر ۲۰	۱۲۵	۲۵/۳۱
	۲۰ تا ۴۰	۱۴۰	۳۵
	۴۰ تا ۶۰	۱۳۵	۷۵/۳۳
مدرک تحصیلی	زیر دیپلم	۱۲۰	۳۰
	دیپلم تا لیسانس	۱۵۰	۵/۳۷
	بالای لیسانس	۱۳۰	۵/۳۲
وضعیت تاهل	مجرد	۱۶۴	۴۱
	متاهل	۱۱۲	۲۸
	بدون همسر(به دلیل فوت)	۴۲	۵/۱۰
	بدون همسر(طلاق)	۸۲	۵/۲۰

بر اساس یافته ها، بیشترین گروه نمونه، زن و سن ۴۰ تا ۶۰ سال، مدرک تحصیلی دیپلم تا لیسانس و با وضعیت تاهل مجرد بودند.

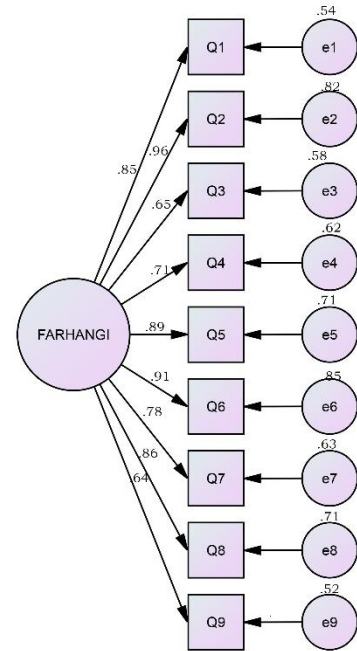
استانداردسازی ابزار اندازهگیری مفاهیم تحقیق

از آنجا که هدف تحقیق، میزان انطباق و همخوانی بین سازه نظری و سازه تجربی است از تحلیل عاملی تاییدی استفاده میکنیم. تحلیل عاملی تاییدی روشی است که نشان می‌دهد چه میزان گویه‌های سنجش یک سازه به درستی انتخاب شده‌اند. در واقع در این روش مشخص می‌شود آیا سوالاتی که در یک پرسشنامه برای سنجش هر عامل انتخاب شده است مناسب می‌باشد یا خیر. بنابراین تحلیل عاملی تاییدی یک ابزار سنجش روایی پرسشنامه است و به روایی سازه یا مدل اندازه‌گیری نیز موسوم است. بطور کلی تحلیل عاملی (Factor Analysis) جهت پی بردن به متغیرهای زیر بنایی یک پدیده یا اطمینان از گویه‌های سنجش عوامل استفاده می‌شود.

مهمترین هدف تحلیل عاملی تاییدی تعیین میزان توان مدل عامل از قبل تعریف شده با مجموعه ای از داده‌های مشاهده شده است. به عبارتی تحلیل عاملی تاییدی در صدد تعیین این مساله است که آیا تعداد عامل‌ها و بارهای متغیرهایی که روی این عامل‌ها اندازه‌گیری شده‌اند با آنچه بر اساس تئوری و مدل نظری انتظار میرفت انطباق دارد. به عبارتی، این نوع تحلیل عاملی به آزمون میزان انطباق و همخوانی بین سازه نظری و سازه تجربی تحقیق می‌پردازد. در این روش ابتدا متغیرها و شاخصهای مربوطه بر اساس تئوری اولیه انتخاب می‌شوند و سپس از تحلیل عاملی استفاده می‌شود تا ببینیم که آیا این متغیرها و شاخصها آن طوری که پیش

بینی می شد روی عامل های پیش بینی شده بار(لود) شده اند یا این که ترکیب آنها عوض شده و روی عامل های دیگری بار شده‌اند؟

تحلیل عاملی تاییدی متغیر سرمایه فرهنگی: این مدل در دو سطح سنجشها و عوامل مکنون شناسایی شده را در بر میگیرد. شکل مذکور نتیجه حاصل برازندگی مدل اندازه‌گیری در نرم افزار AMOS ۲۳ را به تصویر میکشد.



شکل ۲. مدل اندازه گیری متغیر سرمایه فرهنگی در حالت تخمین استاندارد  
جدول ۴. مقادیر آماره  $t$  برای متغیر سرمایه فرهنگی

ابعاد	گویه	T-value
سرمایه فرهنگی	Q1	۸۵/۰
	Q2	۹۶/۰
	Q3	۶۵/۰
	Q4	۷۱/۰
	Q5	۸۹/۰
	Q6	۹۱/۰
	Q7	۷۸/۰
	Q8	۸۶/۰
	Q9	۶۴/۰

همان گونه مقادیر آماره  $t$  برای هر یک از مسیرها نشان می دهد، مدل فوق نهایی است. جدول ۴-۶ شاخص های برازش مدل را نشان می دهد. با توجه به نتایج به دست آمده و مقایسه آن با دامنه قابل قبول میتوان اذعان کرد تمامی شاخصهای برازندگی مدل فوق در دامنه قابل قبول قرار گرفته و بنابراین تناسب داده های گردآوری شده با مدل مطلوب است. لذا برازندگی مدل نهایی ابعاد سرمایه فرهنگی مورد تایید می باشد.

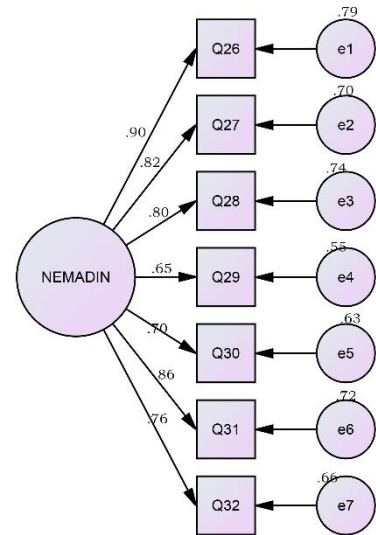
جدول ۵. شاخصهای برازش مدل اندازه گیری متغیر سرمایه فرهنگی

عنوان شاخص	مقدار	دامنه مورد قبول	نتیجه
$\frac{\chi^2}{df}$	۵۵/۱	$\frac{\chi^2}{df}$	قابل قبول
RMSEA	۰۰۶۵/۰	$۰.۵/۰ >$	بسیار خوب
RMR	۰۵۷/۰	$۰ \leq$	قابل قبول
GFI	۱۲۷/۰	$۰.۹/۰ <$	بسیار خوب
AGFI	۹۳۲/۰	$۸۵/۰ <$	بسیار خوب
NFI	۹۷۵/۰	$۹۰/۰ <$	بسیار خوب
CFI	۹۵۲/۰	$۹۰/۰ <$	بسیار خوب
IFI	۹۴۸/۰	$۹۰/۰ <$	بسیار خوب

$\frac{\chi^2}{df}$ : در مدل سازی معادلات ساختاری، آماره کای اسکریپر، روش سنتی برای ارزیابی برازش کل مدل می باشد. بر اساس این آماره، فرض صفر این است که مدل به طور کامل با داده های جامعه آماری برازش دارد. زمانی که آماره کای اسکور از نظر آماری معنی دار باشد منجر به رد این فرض می گردد و نشان می دهد که مدل مورد نظر، از برازش کامل برخوردار نبوده و رد می شود. برای رد فرض صفر از نسبت  $\frac{\chi^2}{df}$  نیز استفاده می کنند. در صورتی که مقدار این نسبت کمتر از ۵ باشد، فرض صفر تأیید می شود. به عبارت دیگر، مدل به طور کامل با داده های جامعه آماری برازش دارد. از آنجا که میزان  $\frac{\chi^2}{df}$  محاسبه شده سازه های ابعاد سرمایه فرهنگی برابر می باشد نشان دهنده تأیید فرض صفر و برازش کامل مدل با داده های جامعه آماری می باشد (لازم به ذکر است که این مدل از نوع اشباع می باشد).

**GFI** و **AGFI**: دو شاخص برازندگی **GFI** و برازندگی تعدیل یافته **AGFI** به شاخص های برازش مطلق معروفند. مقادیر این شاخص ها باید بین ۰ و ۱ باشد. مقدار بزرگتر از ۰/۹ حاکی از برازش قابل قبول مدل است. اندازه گیری برازش بعدی که در خروجی برنامه ظاهر می شود، به مقایسه شاخص های برازش نسبی می پردازند و نشان می دهند که تا چه حد برازش مدل نسبت به مدل خط پایه که در واقع مدل استقلال است، مناسب تر می باشد. شاخص برازش غیرنرم (**NNFI**) از شاخص های این گروه می باشد که هر چه مقدار آن به ۱ نزدیک باشد، نشان دهنده برازش خوب مدل است. از شاخص های دیگر این گروه **CFI** می باشد که فقط می تواند مقادیر بین ۰ تا ۱ اختیار کند؛ در حالیکه **NNFI** می تواند بزرگتر از ۱ باشد. مقدار این شاخص نیز هرچه به ۱ نزدیکتر باشد، نشان دهنده برازش خوب مدل است. مقادیر محاسبه شده نشان دهنده تأیید برازش مدل بر اساس این سه شاخص می باشد.

تحلیل عاملی تأییدی متغیر سرمایه نمادین: شکل مذکور نتیجه برازندگی مدل اندازه گیری در نرم افزار **AMOS** را به تصویر میکشد.



شکل ۳. مدل اندازه گیری متغیر سرمایه نمادین در حالت تخمین استاندارد

جدول ۶. مقادیر آماره t برای متغیر سرمایه نمادین

ابعاد	گویه	T-value
سرمایه نمادین	Q26	۹۰/۰
	Q27	۸۲/۰
	Q28	۸۰/۰
	Q29	۶۵/۰
	Q30	۷۰/۰
	Q31	۸۶/۰
	Q32	۷۶/۰

همان گونه مقادیر آماره t برای هریک از مسیرها نشان می دهد، مدل فوق نهایی است. با توجه به نتایج به دست آمده و مقایسه آن با دامنه قابل قبول میتوان اذعان کرد تمامی شاخص های برازندگی مدل فوق در دامنه قابل قبول قرار گرفته و بنابراین تنا سب داده های گردآوری شده با مدل مطلوب است. لذا برازندگی مدل نهایی سرمایه نمادین مورد تایید می باشد.

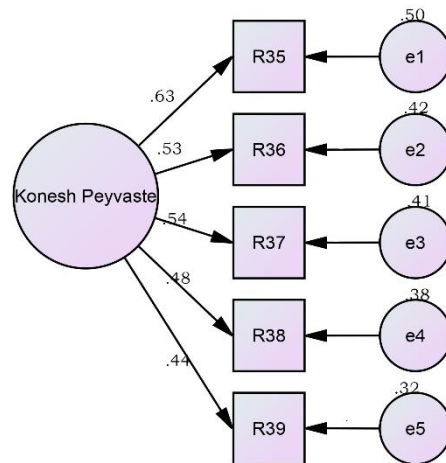
جدول ۷. شاخصهای برازش مدل اندازه گیری متغیر سرمایه نمادین

عنوان شاخص	مقدار	دامنه مورد قبول	نتیجه
$\chi^2 / df$	۹۲/۱	$\chi^2 / df$	قابل قبول
RMSEA	۰۰۸/۰	۰۵/۰ >	بسیار خوب
RMR	۲۳۰/۰	۰ ≤	بسیار خوب
GFI	۱۱۲/۰	۰۹/۰ <	بسیار خوب
AGFI	۹۸۰/۰	۸۵/۰ <	بسیار خوب

شده

NFI	۹۱۲/۰	۹۰/۰ <	بسیار خوب	شاخص برازش هنجار شده (بتترلر - بونت)
CFI	۹۵۷/۰	۹۰/۰ <	بسیار خوب	شاخص برازش تطبیقی
IFI	۹۷۸/۰	۹۰/۰ <	بسیار خوب	شاخص برازش افزایشی

تحلیل عاملی تاییدی متغیر کنش متقابل پیوسته: به منظور اطمینان از تناسب این ساختار با داده‌های جمع‌آوری شده، تحلیل عاملی تاییدی با استفاده از نرم افزار ایموس انجام شد. در گام اول می‌بایست مدل اول را بر اساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی تعریف نماییم. مدل پیشنهادی در شکل ۴ ترسیم شده است. این مدل در دو سطح سنجه‌ها و عوامل مکنون شناسایی شده را در برمیگیرد. شکل مذکور نتیجه حاصل برازندگی مدل اندازه‌گیری در نرم افزار AMOS ۲۳ را به تصویر می‌کشد.



شکل ۴. مدل اندازه‌گیری متغیر کنش متقابل پیوسته در حالت تخمین جدول ۸. مقادیر آماره t برای متغیر کنش متقابل پیوسته

ابعاد	گویه	T-value
کنش متقابل پیوسته	R35	۶۳/۰
	R36	۵۳/۰
	R37	۵۴/۰
	R38	۴۸/۰
	R39	۴۴/۰

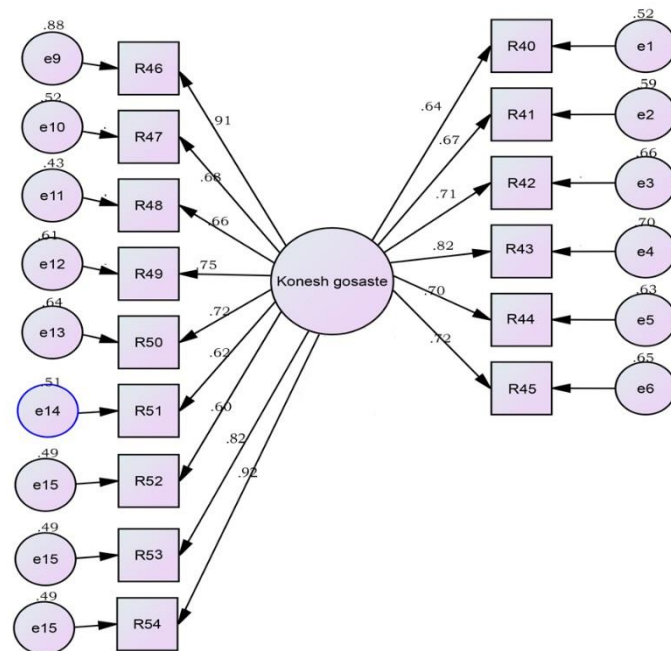
همان‌گونه مقادیر آماره t برای هر یک از مسیرها نشان می‌دهد، مدل فوق‌نهایی است. جدول زیر شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج به دست آمده و مقایسه آن با دامنه قابل قبول میتوان اذعان کرد تمامی شاخص‌های برازندگی مدل فوق در دامنه قابل قبول قرار گرفته و بنابراین تناسب داده‌های گردآوری شده با مدل مطلوب است. لذا؛ برازندگی مدل نهایی کنش متقابل پیوسته مورد تایید می‌باشد.

جدول ۹. شاخصهای برازش مدل اندازه‌گیری متغیر کنش متقابل پیوسته

عنوان شاخص	مقدار	دامنه مورد قبول	نتیجه	مجذور کای
$\frac{\chi^2}{df}$	۲۸۰/۱	$\frac{\chi^2}{df}$	قابل قبول	

RMSEA	۰۰۴/۰	۰۵/۰ >	بسیار خوب	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب
RMR	۰۸۲/۰	۰ ≤	قابل قبول	ریشه میانگین مربعات باقیمانده
GFI	۲۰۹/۰	۰۹/۰ <	بسیار خوب	نیکویی برازش
AGFI	۸۶۵/۰	۸۵/۰ <	بسیار خوب	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده
NFI	۹۱۳/۰	۹۰/۰ <	بسیار خوب	شاخص برازش هنجار شده (بتلر-بونت)
CFI	۹۳۲/۰	۹۰/۰ <	بسیار خوب	شاخص برازش تطبیقی
IFI	۹۸۷/۰	۹۰/۰ <	بسیار خوب	شاخص برازش افزایشی

تحلیل عاملی تاییدی متغیر کنش متقابل گسسته: به منظور اطمینان از تناسب این ساختار با داده های جمع آوری شده، ضرورت دارد تحلیل عاملی تاییدی نیز با استفاده نرم افزار ایموس انجام گردد. در گام اول مینایست مدل اول را بر اساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی تعریف نماییم. مدل پیشنهادی همان مدلی است که در شکل زیر ترسیم شده است. این مدل در دو سطح سنجها و عوامل مکنون شناسایی شده را در برمیگیرد. شکل مذکور نتیجه حاصل برازندگی مدل اندازهگیری در نرم افزار AMOS را به تصویر میکشد.



شکل ۵. مدل اندازه گیری متغیر کنش متقابل گسسته در حالت تخمین جدول ۱۰. مقادیر آماره t برای متغیر کنش متقابل گسسته

ابعاد	گویه	T-value
کنش متقابل گسسته	R40	۶۴/۰
	R41	۶۷/۰
	R42	۷۱/۰

رابطه بین انواع هم کنشی (کنش گسسته و کنش پیوسته) و سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین



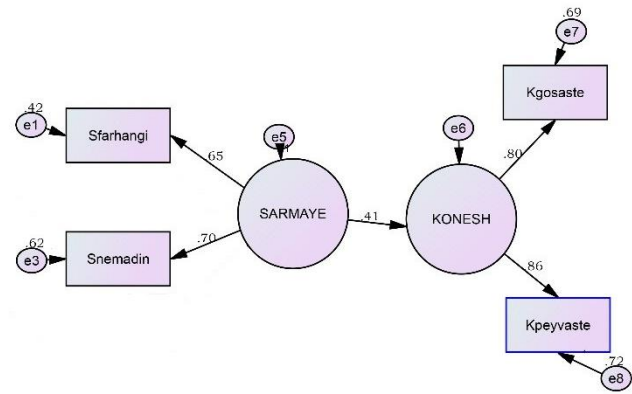
۸۲/۰	R43
۷۰/۰	R44
۷۲/۰	R45
۹۱/۰	R46
۶۸/۰	R47
۶۶/۰	R48
۷۵/۰	R49
۷۲/۰	R50
۶۲/۰	R51
۶۰/۰	R52
۸۲/۰	R53
۹۲/۰	R54

همان‌گونه مقادیر آماره  $t$  برای هر یک از مسیرها نشان می‌دهد، مدل فوق‌نهایی است. جدول زیر شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج به دست آمده و مقایسه آن با دامنه قابل قبول میتوان اذعان کرد تمامی شاخص‌های برازندگی مدل فوق در دامنه قابل قبول قرار گرفته و بنابراین تناسب داده‌های گردآوری شده با مدل مطلوب است. لذا؛ برازندگی مدل نهایی کنش متقابل گسسته مورد تایید می‌باشد.

جدول ۱۱. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری متغیر کنش متقابل گسسته

عنوان شاخص	مقدار	دامنه مورد قبول	نتیجه	مجدور کای
$\frac{\chi^2}{df}$	۳۱۰/۱	$\frac{\chi^2}{df}$	قابل قبول	
RMSEA	۰۰۹/۰	$۰۵/۰ >$	بسیار خوب	ریشه خطای میانگین مجدورات تقریب
RMR	۰۰۵/۰	$۰ \leq$	قابل قبول	ریشه میانگین مربعات باقیمانده
GFI	۱۱۲/۰	$۰۹/۰ <$	بسیار خوب	نیکویی برازش
AGFI	۹۱۷/۰	$۸۵/۰ <$	بسیار خوب	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده
NFI	۹۱۲/۰	$۹۰/۰ <$	بسیار خوب	شاخص برازش هنجار شده (بنتلر-بونت)
CFI	۹۸۵/۰	$۹۰/۰ <$	بسیار خوب	شاخص برازش تطبیقی
IFI	۹۳۲/۰	$۹۰/۰ <$	بسیار خوب	شاخص برازش افزایشی

تحلیل عاملی ساختاری پژوهش: در گام اول می‌بایست مدل نهایی تحقیق را بر اساس نتایج تحلیل متغیرهای تحقیق تعریف نماییم. شکل زیر حاصل برازندگی مدل نهایی تحقیق را به تصویر می‌کشد.



شکل ۶. مدل ساختاری نهایی

همانطور که مشاهده می‌شود شاخصهای برازندگی مدل نهایی در جدول زیر ارائه شده است. بر اساس مقادیر جدول می‌توان نتیجه گرفت برازندگی مدل مورد تایید می‌باشد.

جدول ۱۲. شاخصهای برازش مدل نهایی

عنوان شاخص	مقدار	دامنه مورد قبول	نتیجه
$\frac{\chi^2}{df}$	۲۹۲/۱	$\frac{\chi^2}{df}$	بسیار خوب
RMSEA	۰۴۲/۰	$0.05 >$	بسیار خوب
RMR	۰۱/۰	$0 \leq$	بسیار خوب
GFI	۱۰۳/۰	$0.9 <$	بسیار خوب
AGFI	۹۴/۰	$0.85 <$	بسیار خوب
NFI	۹۵/۰	$0.9 <$	بسیار خوب
CFI	۹۰۱/۰	$0.9 <$	بسیار خوب
IFI	۹۲/۰	$0.9 <$	بسیار خوب

آزمون فرضیه اول پژوهش:  $H_0$ : بین انواع هم کنشی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود ندارد.

$H_1$ : بین انواع هم کنشی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد.

جدول ۱۳. محاسبه میزان رابطه بین انواع هم کنشی و سرمایه فرهنگی

و سرمایه نمادین

سرمایه فرهنگی					
نتیجه آزمون	T-Value	ضریب تاثیر	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد پاسخ دهندگان هم کنشی
$H_0$ رد	۲۸/۷	۳۹/۰	۰۰/۰	۳۹/۰	۴۰۰

با توجه به ضریب اطمینان ۰/۹۹ و سطح معناداری آزمون ضریب همبستگی پیرسون (۰/۰۰) که از مقدار پیش فرض (۰/۰۱) کمتر است و میزان قدر مطلق T-Value محاسبه شده (۷/۲۸) که بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد. فرض صفر (عدم وجود ارتباط بین انواع هم کنشی و سرمایه فرهنگی) رد و فرض مقابل (وجود ارتباط بین انواع هم کنشی و سرمایه فرهنگی) پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان چنین نتیجه گرفت: بین هم کنشی و سرمایه فرهنگی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و چون مقدار ضریب تغییر مثبت است (۰/۳۹) می‌توان عنوان کرد که هم کنشی بر سرمایه فرهنگی تاثیر مثبتی دارد. همچنین می‌توان نتایج حاصل از این آزمون را با اطمینان ۹۹ درصد به جامع آماری تعمیم داد.

آزمون فرضیه دوم پژوهش:  $H_0$ : بین انواع هم کنشی و سرمایه نمادین رابطه وجود ندارد.  
 $H_1$ : بین انواع هم کنشی و سرمایه نمادین رابطه وجود دارد.

جدول ۱۴. محاسبه میزان رابطه بین انواع هم کنشی و سرمایه نمادین

سرمایه نمادین		T-Value	ضریب تاثیر	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد پاسخ دهندگان	نتیجه آزمون
هم کنشی	هم کنشی						
۴۰۰	۲۴/۰	۰۰۹/۴	۲۴/۰	۰۰/۰	۲۴/۰	۴۰۰	رد $H_0$

با توجه به ضریب اطمینان ۰/۹۹ و سطح معناداری آزمون ضریب همبستگی پیرسون (۰/۰۰) که از مقدار پیش فرض (۰/۰۱) کمتر است و میزان قدر مطلق T-Value محاسبه شده (۴/۰۰۹) که بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد. فرض صفر (عدم وجود ارتباط بین انواع هم کنشی و سرمایه نمادین) رد و فرض مقابل (وجود ارتباط بین انواع هم کنشی و سرمایه نمادین) پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان چنین نتیجه گرفت: بین هم کنشی و سرمایه نمادین رابطه‌ی معناداری وجود دارد و چون مقدار ضریب تغییر مثبت است (۰/۲۴) می‌توان عنوان کرد که هم کنشی بر سرمایه نمادین تاثیر مثبتی دارد. همچنین می‌توان نتایج حاصل از این آزمون را با اطمینان ۹۹ درصد به جامع آماری تعمیم داد.

آزمون فرضیه سوم پژوهش:  $H_0$ : انواع هم کنشی در بین جنسیت های مختلف بر انواع سرمایه تفاوت معناداری ندارد.  
 $H_1$ : انواع هم کنشی در بین جنسیت های مختلف بر انواع سرمایه تفاوت معناداری دارد.

جدول ۱۵. نتایج حاصل برای ممتغیر جنسیت

متغیر	شاخص آماری	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره
هم کنشی	زن	۱۸۴	۷۹/۳	۲۷/۰	۲۳/۳	۳۱/۴
	مرد	۲۱۶	۷۱/۳	۲۱/۰	۹۰/۲	۴
سرمایه فرهنگی	زن	۱۸۴	۲۵/۳	۲۳/۰	۳۵/۳	۲۲/۴
	مرد	۲۱۶	۴۱/۳	۲۴/۰	۲۸/۳	۸۳/۴
سرمایه نمادین	زن	۱۸۴	۳۵/۳	۱۸/۰	۶۳/۲	۴
	مرد	۲۱۶	۳۴/۳	۳۲/۰	۶۵/۳	۲۰/۴

جدول بالا، میانگین و انحراف استاندارد و بیشترین و کمترین نمره کسب شده متغیرهای پژوهش را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. که بیانگر این است در میانگین متغیرهای پژوهش در زنان و مردان نمونه تفاوت معناداری وجود ندارد.

بررسی نرمال بودن توزیع داده ها (آزمون کولموگروف - اسمیرنوف)

بسیاری از آزمونهای آماری از جمله آزمونهای پارامتریک بر مبنای نرمال بودن توزیع داده ها بنا نهاده شده اند و با این پیش فرض بکار می روند که توزیع داده ها در یک جامعه یا در سطح نمونه های انتخاب شده از جامعه مذکور از توزیع نرمال پیروی نماید. بنابراین تحلیلگر لازم است تا قبل از پرداختن به تحلیلهای آماری بررسی متغیرها، نوع توزیع آن متغیرها را بداند. با آزمون - کولموگروف اسمیرنوف میتوان به این مهم دست یافت. فرضیه صفر در آزمون کولموگروف اسمیرنوف عبارت است از پیروی دادهها از توزیع نرمال و فرضیه مقابل آن عبارت است از عدم پیروی دادهها از توزیع نرمال.

مطابق جداول ارائه شده همانگونه که ملاحظه می شود در این آزمون، سطوح احتمال (مقدار P) در کلیه متغیرهای تحقیق بزرگتر از سطح خطا ۱/۰۱ می باشد. با توجه به مقدار و عدم رد فرضیه صفر، توزیع دادهها منطبق بر توزیع نرمال قلمداد میگردد. نتیجه در آزمون فرضیات تحقیق از آزمونهای پارامتریک استفاده شده است.

جدول ۱۶. نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

توزیع مشاهدات از توزیع نرمال پیروی نمیکند.		$H_1: (\rho \neq 0)$		
توزیع مشاهدات از توزیع نرمال پیروی میکند.		$H_0: (\rho = 0)$		
متغیر	تعداد نمونه	آماره آزمون	مقدار Sig	نتیجه آزمون
هم کنشی	۴۰۰	۶۹/۰	۷۳/۰	توزیع نرمال
سرمایه فرهنگی	۴۰۰	۵۵/۱	۱۹/۰	توزیع نرمال
سرمایه نمادین	۴۰۰	۸۱/۰	۶۲/۰	توزیع نرمال

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین انواع همکنشی با سرمایه فرهنگی و نمادین در شهر اصفهان در سال ۱۳۹۹ انجام شد. برای سنجش انواع همکنشی از پرسشنامه وضعیتهای زندگی اریک برن استفاده شد. وضعیتهای زندگی اریک برن شامل ۴ وضعیت هست که سه وضعیت اول موجب کنشهای منفی و ناپیوسته میشود، چرا که در سه وضعیت اول نگرش فرد به خود یا دیگری و یا هر دو منفی است و تعاملات فرد تحت تاثیر نگرشهایش قرار میگیرد. وضعیت چهارم که مثبتتر هست حالتی است که در آن فرد خود و دیگران را مثبت ارزیابی میکند. و چنین ارزیابیهای مثبتی در کنشهای فرد نمود پیدا میکنند. در پژوهش حاضر قصد بر این بود که ارتباط این وضعیتها با انواع سرمایه و اثرات آن سنجیده شود.

فرضیه اول: بین انواع همکنشی و سرمایه فرهنگی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد که بین انواع همکنشی و سرمایه فرهنگی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به این معنی که هرچقدر همکنشی بین آنها به صورت مثبت و پیوسته تر باشد سرمایه فرهنگی در شهروندان شهر اصفهان بیشتر بود. افرادی با ویژگی سرمایه فرهنگی بالا، خود را خوب میدانستند و چنین نظری هم در مورد دیگران داشتند. این رویکردهای مثبت به خود و دیگران، موجب گشودگی آنان به تجربه و انعطافپذیریشان نسبت به همدیگر کرده بود؛ اما کسانی که سرمایه فرهنگی پائینی داشتند، وضعیت زندگی مثبت و موفقیتآمیزی را هم تجربه نمیکردند. چنین اشخاصی یا خود را خوب میدانستند و دیگران را خوب ارزیابی نمیکردند، یا اینکه ارزیابی منفی از خود داشتند و دیگران را خوب ارزیابی میکردند و یا اینکه نه خود و نه دیگران را خوب میدانستند؛ بسته به وضعیت زندگی و ارزیابیشان از خود و دیگران، احساس بدبینی و افسردگی و ناامیدی را تجربه میکردند (هزاردستان، ۱۳۸۸).

کنشگران همواره در موقعیتها و صحنه‌های پیچیده قرار می‌گیرند که در آن مجبور به واکنش هستند. واکنش‌های فرد هم مبتنی بر فرایندها، معناها، شناختهای خود و نیز تفسیر موقعیت است. هرچند بر اساس نظریه تعیینگری متقابل بندورا (۲۰۰۳) افراد ممکن است در کنش خود شرایط موقعیتی و محیطی را در نظر بگیرند؛ اما تکیه بر موقعیت صرف، نمیتواند تعیین کننده مطمئنی بر کنش‌های فرد باشد، چراکه موقعیتها همواره در حال تغییر هستند و کنشگر نیز همواره قادر به تغییر رفتارها و واکنش‌هایش نیست. بر این اساس، کنشگر نیاز به سازهای باثباتر دارد تا رفتارش در بیشتر مواقع نسبت به موقعیت‌های مختلف قابل پیش‌بینی تر باشد. یکی از این سازهای تأثیرگذار دانشها و تواناییهای شناختی فرد است که در طول زمان شکل می‌گیرد و سرمایه‌های فرهنگی یک فرد را می‌سازد. در واقع معنایی که کنشگر از تفسیر موقعیت و از تعبیر کنش دیگری به دست می‌آورد، هم محصول خردورزی او و برآمده از تجربه‌های گذشته‌اش است و هم بسته به موقعیتی که در آن قرار دارد (هومانز، ۱۹۶۱). در این معنا، کنشگر در صحنه کنش متقابل از عواملی چند تأثیر می‌پذیرد و کنش خود را بر پایه متغیرهای پرشماری که در آن صحنه اثر گذارند، برمیگزیند؛ اما از آنجا که متغیرهای صحنه کنش متقابل متغیرند، بنابراین سازه قابل باثباتر در اینجا سرمایه فرهنگی فرد است که نقش بازی می‌کند. اگر کنش متقابل یا حداقل بخشی از آن را برآمده از سرمایه فرهنگی و شناختها و دانش فرد در نظر بگیریم؛ آنگاه کنش متقابل فرایندی است که سوگیری رابطه میان کنشگران را نیز تعیین می‌کند. این سوگیری میتواند همگرایانه باشد- که در آن کنشگر به سوی کنشگر دیگر گام بردارد یا واگرایانه باشد که سبب دور شدن کنشگران از همدیگر بشود. کنشگران در سوگیری همگرایانه پدید آورنده رابطه‌هایی چون آشتی (صلح)، همزیستی، دوستی و عشق هستند، حال آنکه در سوگیری واگرایانه رابطه‌هایی چون رقابت، تنفر، دشمنی و جنگ برقرار میشود (تارد، ۲۰۰۳). این همگرایی و واگرایی در کنشها رابطه مستقیمی با رویکرد و وضعیت زندگی افراد دارد. چنانچه فردی وضعیت زندگی من خوب هستم- تو خوب هستی را داشته باشد، آنگاه در مقابل تجربه‌های جدید با گشودگی برخورد می‌کند همزیستی و دوستی را تجربه می‌کند؛ حتی اگر در برخی از کنش‌های متقابلش بازخورد خوبی نگیرد و رابطه‌هایی همچون تنفر و رقابت را تجربه کند، باز هم به دلیل نوع تحلیلهایی که از رفتار مقابل دارد، کنش‌هایش به نفع کنش‌های همگرایانه گرایش پیدا می‌کند.

سرمایه فرهنگی با تولید ساختارها، میدان و میزان تحرک فردی کنشگران را در فرایند کنش متقابل اجتماعی تعیین و در طول زمان تثبیت می‌کند. هر کنشگر با توجه به سرمایه‌های که با خود وارد موقعیت می‌کند، محدودیتها و اقتضائات کنش خود را مشخص می‌کند، یعنی مجموعه دانشها، باورها، نگرش‌های خاص در کنش‌های متقابلش محصور نگاه می‌دارد. این امر سبب می‌شود که میزان تغییرپذیری رفتارهای کنشگر کاهش یابد، رفتارهای او در قالب نقشی که ایفا می‌کند، برای کنشگران دیگر تا حدودی قابل محاسبه یا پیش‌بینی باشد و بر این پایه برای او و کنشگران دیگر زمینه بازتولید اجتماعی در فرایند کنش متقابل فراهم آید. توربا (۲۰۰۹) در پژوهش خود بیان می‌کند کنش اجتماعی موجب انعطاف‌پذیری در برقراری ارتباطات اجتماعی است که این خود موجب تسلط بر زبان‌های مختلف، توانایی عبور از مرزهای نژادی و قومی و یک انعطاف‌پذیری عمومی همراه با توانایی تحمل سختی‌ها و غلبه بر موانع به وضوح به عنوان یک سرمایه فرهنگی جدید شناخته می‌شود که برای موفقیت در یک جامعه متنوع مدرن بسیار مهم است؛ که این سازوکار خود به صورت سرمایه فرهنگی در میان افراد جامعه عمل می‌کند؛ که این پژوهش همسو با این اثبات فرضیه ارتباط میان سرمایه فرهنگی و کنش اجتماعی است.

تبیینهای گوناگونی میتوان از رابطه به دست آمده در این پژوهش در ارتباط با سرمایه فرهنگی و همکنشی افراد به دست داد، چون پژوهش حاضر صرفاً همبستگی متغیرها را نشان میدهد و رابطه علی برقرار نیست، بنابراین تبیینها بیشتر حالت احتمالی دارند. بورديو افرادی با تحصیلات بالا را دارای سرمایه فرهنگی بالایی میداند (یزدانپناه، بهیان و جهانبخش، ۱۳۹۷). هرچند شاید امروزه

چنین تعبیری حداقل در کشور ایران پذیرفته شده نباشد، چراکه تفاوت تحصیلات در سالهای نه‌چندان دور با تحصیلات به معنای امروزی تفاوتی زیادی دارد؛ اما به هر صورت شاید بتوان همبستگی مثبت و معناداری را بین فرهیختگی پیدا کرد. اگر چنین فرضی پذیرفته شود؛ آنگاه می‌توان به ویژگیهای فردی افراد فرهیخته اشاره کرد که موجب همکنشی مثبت و پیوسته افراد میشود. فرهیختگی واجد تعبیری چون عقلانیت، تدبیر، شناخت و بیش از همه نوعی وجدان اخلاقی است. نوعی پرورش‌یافتگی که دقت نظر در ارزیابی واقعیت‌ها و تحلیل عمیق اندیشه‌ها و نقدپذیری بالا از ویژگی‌های آن است و مصداقی از وجود نوعی جامعیت است. پر واضح است که فردی با چنین ویژگیهایی از قضاوت‌های عجولانه نسبت به خوب و بد بودن دیگران خودداری می‌کند و معیارهای اخلاقی را همواره مدنظر قرار میدهد. چنین فردی احتمالاً نگرشهای مثبتتری نسبت به دیگران و خود دارد و کنش متقابل وی هم احتمالاً بر خواسته از چنین نگرشی است. در پژوهش حاضر هم که از طیفهای مختلف تحصیلی استفاده شده، افراد با تحصیلات بالا نسبت به افراد با تحصیلات پایین، در بحث از وضعیت زندگی، بیشتر در طیف افرادی قرار گرفتند که هم خود و هم دیگران را خوب میدانستند. نکته آخر در مورد این فرضیه این است که چنین تبیینهایی قبل از تکرار پژوهشهای مشابه، احتمالی بوده و حالت قطعیت ندارد.

فرضیه دوم: بین انواع هم‌کنشی و سرمایه نمادین رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد افرادی که نگرش مثبتتری به خود و دیگران دارند و در تحلیل متقابل رفتار، از وضعیت زندگی سالم‌تری (من خوب هستم - تو خوب هستی) برخوردارند از سرمایه نمادین بیشتری برخوردار هستند. چنانچه در فرضیات قبلی نشان داده شد که افراد برخوردار از سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از وضعیت زندگی سالم‌تری برخوردارند و در کنشوری به‌صورت پیوسته و مثبت عمل میکنند؛ سرمایه نمادین نیز به‌عنوان نقطه اوج سرمایه‌های دیگر (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی) واجد چنین شرایطی است. در واقع سرمایه نمادین مثل پرستیژ، کاریزما و فرهنگ ویژه در افراد تجلی می‌کند و موجبات همکنشی مثبت را فراهم می‌آورد. تران و فام (۲۰۱۵) در پژوهش خود رابطه سرمایه نمادین و تعاملات بین فردی را اذعان نموده‌اند. بین دانشجویان دانشگاه بین‌المللی تمایل برای برقراری روابط وجود دارد اما موانع زبانی و تفاوت‌های فرهنگی مانع این ارتباطات شده است. در واقع اصطلاحات زبانی در یک نوع زبان خاص خود از جمله سرمایه‌های نمادین مشترک میان افرادی است که یک نوع زبان دارند. همچنین فرهنگ مشترک میان افراد نیز از جنبه‌های سرمایه نمادین است. وجود اشتراکات در سرمایه نمادین میان افراد موجب می‌شود که ارتباط بین افراد افزایش یابد.

به‌عنوان یک تبیین احتمالی، یک فرد کاریزماتیک اساساً نمیتواند نگرش منفی و بدی نسبت به دیگران داشته باشد، چراکه مردم به کسانی توجه میکنند و وی را کاریزماتیک میدانند که نگاه خوش‌بینانه‌ای در مورد خود و دیگران داشته باشد و صفات مثبتتری داشته باشد؛ بنابراین احتمال دارد افراد برای حفظ شخصیت و موقعیت اجتماعی هم که شده، رفتارهای مثبتی از خود نشان دهند و کنش مثبتی با محیط و دیگران داشته باشند، این رفتارها اگر تداوم داشته باشد، با دریافت تقویت‌کننده‌های محیطی، رفته‌رفته، نگرش فرد را نیز تغییر میدهد. زمانی که نگرش تغییر پیدا کرد، آنگاه جزو شخصیت فرد میشود. تبیین این مسئله را در اثر پیگمالیون نیز میتوان مشاهده کرد. این یک پدیده جالب روان‌شناسی است که افراد تمایل دارند، انتظاراتی را که دیگران نسبت به آنها دارند، برآورند. در واقع در قدم نخست فرد سعی می‌کند سرمایه‌هایی را اعم از سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به دست آورد، سپس نمادهای این سرمایه‌ها را نیز به دست آورد و در نهایت تلاش کند آنها را حفظ کند. حفظ کردن آنها نیز منوط به داشتن رفتار و نگرش شایسته است. این موضوع منطبق بر نظریه بورديو است. مطابق با نظر بورديو سرمایه‌های همان امتیازهای اجتماعی است که افراد بر سر آنها رقابت میکنند. سرمایه نمادین هم شامل کاربرد نمادهایی است که فرد به کار میبرد تا به سطح دیگر سرمایه خود مشروعیت دهد. از نظر بورديو افراد بر اساس موقعیت اجتماعی‌شان، اعمال سلیقه میکنند و هر طبقه سعی می‌کند با شکل دادن

به سلیقه‌اش، خود را از سایر طبقه‌ها متمایز کند (کریمی، ۱۳۸۹)؛ چرا که سرمایه نمادین به هرگونه دارایی (سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) گفته می‌شود که دست‌های از اعضای اجتماع آن را در می‌یابند، به رسمیت می‌شناسند و برای آن ارزش قائل می‌شوند، پس دارنده آن باید از جانب مردم مورد قبول واقع شود.

به نظر می‌رسد افراد در اجتماع در میدانهای متفاوتی فعالیت می‌کنند. میدانهای هنری، میدان سیاسی، میدان اقتصادی و... این‌ها هرکدام عرصه‌های است که نیروها و استعدادها را به نمایش می‌گذارند (انصاری و طاهرخانی، ۱۳۸۹). هر میدانی سرمایه نمادین خاص خود را دارد. سرمایه نمادین اعم از سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که از جانب بازیگران هر میدان به رسمیت شناخته شده و به تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی مواضع در یک میدان و اعمال قدرت و خشونت نمادین می‌انجامد.

توجه به سرمایه نمادین در کنش‌های فرد نشان می‌دهد که در تحلیل ساختارهای اجتماعی باید به شیوه مصرف‌کننده جامعه نیز توجه کرد (برخلاف مارکسیستها که صرفاً به تولیدات توجه می‌کردند). شیوه مصرف، نحوه حرف زدن، ژستهای بدنی، ورزش، نوع لباس پوشیدن، شرکت در مهمانیها و آئینها نوعی نبرد افراد و گروهها در میدان اجتماعی و هنری و ادبی و اقتصادی است که تمایزی اساسی میان طبقات مختلف اجتماعی حکایت می‌کند. در این میدان هر گروهی که از سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و نمادین افزونتری برخوردار باشد، شانس برتر و تسلط بیشتر در اختیار خواهد داشت. چنانچه بورديو نیز معتقد جهان اجتماعی به میدانهای رقابتی تقسیم می‌شود که هر کنشگر در هر میدان برای در اختیار گرفتن جایگاه بهتر مبارزه می‌کند، به همین دلیل سرمایه برای وی نشانگر قدرت است. طبق نظر بورديو کنشها و واکنشهای دیگران در عرصه‌های به نام میدان نمادین شکل می‌گیرد و بازیگر بر اساس سرمایه خود (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نمادین) می‌تواند به انجام و طرح راهبردی اقدام کند (نقیب‌زاده و استوار، ۱۳۹۱). حال با در نظر گرفتن این میدان رقابتی، پرواضح است که افراد هم سعی می‌کنند سرمایه‌های نمادین بیشتری کسب کنند و هم شواهدی برای قابل قبول بودن سرمایه‌های خود داشته باشند، داشتن نگرش خوب نسبت به دیگران و در مجمع داشتن وضعیت برنده در وضعیتهای زندگی این شانس را به فرد می‌دهد که رفتار جامعه پسندتر و شایسته‌تری از خود ارائه دهد و سرمایه نمادین خود را تقویت کند. چراکه اگر فردی پیش‌نویس برنده بودن را نداشته باشد، آنگاه پیامدهایی چون بدبینی، انزوا و افسردگی و خشم را خواهد داشت، این پیش‌نویسهای منفی نتیجه نگرشهای منفی به کنشگران دیگر است. حال اگر فردی چنین پیش‌نویسهای منفی و بازنده را داشته باشد، چگونه می‌تواند شناخت مثبتی از خود در ذهن دیگران شکل دهد؟ بنابراین مشخص می‌شود که سرمایه نمادین برای بهتر و بیشتر شدن نیازمند حمایت توسط نگرشهای خود فرد و سپس نگرشهای دیگران است؛ چراکه لازمه مورد قبول واقع شدن از طرف دیگران، این است که ابتدا فرد خودش، خویشتن را به‌عنوان فردی برنده و موفق در نظر بگیرد.

تبیین دیگر فرضیه مذکور این است که چون سرمایه نمادین شامل تمام اشکال سرمایه‌های دیگر می‌شود، بنابراین باید با آنها توافق و همبستگی مثبتی داشته باشد. چنانچه در پژوهشها نیز نشان داده شده است که سرمایه نمادین با سرمایه فرهنگی همبستگی دارد (درینی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ و نیز سرمایه نمادین با خشونت‌های خانوادگی رابطه منفی دارد (عبدالله زاده مینایی، ۱۳۹۲). بدین معنی که چون خشونت یک ضد فرهنگ است، پس می‌توان چنین برداشت کرد که سرمایه نمادین با فرهنگ و سرمایه‌های فرهنگی رابطه مثبت معناداری دارد. درنهایتاً وقتی مؤلفه‌های یک مفهومی با یک متغیر همبستگی مثبت داشته باشند، خود آن مفهوم نیز چنین رابطهای خواهد داشت.

نکته آخر اینکه اشکال گوناگون سرمایه که تحت کنترل کارگزاران مختلف قرار دارند، شانسهای برنده شدن در هر بازی را تعیین می‌کنند. گروههایی که به بیشترین میزان سرمایه دسترسی دارند، در فضایی قرار می‌گیرند که بورديو آن را "میدان قدرت" می‌نامد.

مبارزه میان گروههای مختلف بر سر تثبیت ارزش شکل‌های مشخص سرمایه است (انصاری و طاهر خوانی، ۱۳۸۹) از این رو افراد برای افزایش سرمایه هم که شده سعی میکنند مثبت‌تر فکر کنند و در کنش‌هایشان مثبت عمل کنند.

فرضیه سوم: تأثیر انواع هم‌کنشی در بین زنان و مردان بر روی انواع سرمایه متفاوت است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد انواع هم‌کنشی (مثبت و منفی) بر روی انواع سرمایه (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نهادین) تفاوت معناداری بین زنان و مردان ندارد؛ به عبارت هم‌کنشی بر جنسیت و سرمایه تأثیری ندارد. چنانچه در فرضیه پنجم مطرح شد، زمانی که سرمایه‌ها بیشتر باشد، هم‌کنش‌ها نیز مثبت‌تر خواهد بود، اما جنسیت نقش فعالی در این ارتباط ندارد. مرور ادبیات پژوهش نشان داد که موضوعی که به بررسی چنین ارتباطی پردازد، یافت نشد، بنابراین تبیین این نتیجه به صورت فرضی خواهد بود. به عنوان تبیین احتمالی میتوان گفت زمانی که هم‌کنشی به صورت مثبت و پیوسته باشد، یعنی فرد خود و دیگران را خوب بداند، احتمالاً فرصت‌های بهتری برای رشد و شکوفایی پیدا می‌کند. به نظر بخشی از هم‌کنشی مثبت که مربوط به خوب دانستن دیگران است را بتوان مرتبط با برون‌گرایی دانست (قاضی و زرغام حاجبی، ۱۳۹۹). افراد برون‌گرا از تعامل و ارتباط برقرار کردن با دیگران انرژی می‌گیرند، علاقه‌مند به کار گروهی هستند (روس، ۲۰۱۳). در حالت برون‌گرایی توجه فرد به امور و اشیاء خارج است و سایر اعمال اساسی او صرفاً معلول مناسبات امور و عوامل بیرونی است (اسکالتز و اسکالتز، ۲۰۱۲). همچنین خوش‌بینی که لازمه داشتن نگاه مثبت به دیگران و خوب دانستن دیگران است، یکی از ویژگی‌های اساسی برون‌گرایی میباشد (فیست و فیست، ۱۳۹۹).

به عنوان یک تبیین احتمالی افرادی که هم‌کنشی مثبت‌تری دارند و تصور خوبی در مورد دیگران دارند، روابط بهتری دارند و به تجربه‌های جدید و کارهای جدید با روی خوش واکنش نشان میدهند و این احتمالاً بر سرمایه‌های فرد تأثیر می‌گذارد و افزایش سرمایه‌ها هم احتمالاً تصورات قبلی در مورد دیگران را تقویت میکنند و به عنوان یک چرخه تکرار میشود. این مسئله شبیه ویژگی شخصیتی برون‌گرایی است که چنین حالتی را پیش می‌آورد. هرچند در تفاوت و وضعیت زندگی زنان و مردان پژوهشی صورت نگرفته است، اما اگر برون‌گرایی متغیر نزدیک به وضعیت زندگی مثبت در نظر بگیریم، میتوانیم به پژوهش‌های اشاره کنیم که در رابطه با ویژگی‌های شخصیتی و جنسیت صورت گرفته است. پژوهش‌ها در رابطه با تفاوت‌های جنسیتی در برون‌گرایی متناقض است، برخی پژوهش‌ها نشان دادند که ویژگی برون‌گرایی در مردها بیشتر از زنها است (شکری، کدیور، دانش‌ورپور، ۱۳۸۶؛ توریانو و همکاران، ۲۰۱۲)؛ و برخی نیز نشان دادند که در متغیر برون‌گرایی هیچ تفاوتی بین زنان و مردان نیست (ناصری تفتی، ۱۳۸۵؛ ریتز و همکاران، ۲۰۰۷؛ بورنیک و همکاران، ۲۰۰۵؛ شکرچی زاده و کریمیان، ۲۰۱۰).

تبیین احتمالی دیگر برای نتیجه پژوهش حاضر این است که زنان در سال‌های نه‌چندان دور، محدودیتهای زیادی برای حضور در جامعه داشتند و کمتر حائز شخصیت برون‌گرایی بودند، چرا که اساساً ویژگی‌های شخصیتی با تقویت‌کننده‌هایی که از محیط دریافت میکنند، تثبیت میشوند، به عبارت دیگر، یک شخصیت برون‌گرا، در تعامل و کنش متقابل با محیط و دریافت تقویت‌های لازم برای ویژگی‌هایش است که به این نتیجه میرسد، باید این ویژگی‌ها را نگه دارد؛ چرا که چنین ویژگی‌هایی موجب روابط گسترده‌تر و احیاناً رضایت خاطر بیشتر فرد است. به نظر میرسد با تغییر نقش‌های جنسیتی در زنان، امروزه دیگر چنین مرزبندی‌هایی وجود ندارد یا اینکه کمتر از گذشته است، برای همین تفاوتی هم در کنش‌های متقابل زنان و مردان نیز دیده نمیشود. همچنین چنانچه پیش‌تر گفته شد، امروزه تفاوت زیادی هم در رابطه با سرمایه‌های زنان و مردان نیز وجود ندارد، از این رو پژوهش حاضر نیز نشان داد تفاوتی بین اثرات هم‌کنشی بین زنان و مردان بر انواع سرمایه وجود ندارد.



نکته آخر اینکه این نتایج و تبیینها به دلیل فقدان پژوهشهای مشابه، به‌عنوان تبیینهایی احتمالی باید در نظر گرفته شوند و در تعمیم نتایج باید جانب احتیاط رعایت شود. با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر رابطه بین متغیرهای همکنشی و سرمایه‌ها پیشنهاد میشود با برگزاری کارگاههای آموزشی به دانشجویان جامعه‌شناسی اهمیت همکنشیهای مثبت در جامعه از منظر تحلیل رفتار متقابل و از بعد روانشناسی اجتماعی آموزش داده شود تا در صورت تمایل محوره کار خود قرار دهند.

## منابع

- انصاری، منصور. طاهرخانی، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی نظریه «زبان و قدرت نمادین» پیر بردیو. پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۳(۳)، ۵۱-۶۵.
- بوردیو، پی‌یر. (۱۳۹۹). نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۹۵). پیر بردیو. ترجمه: لیلا جو افشانی، حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- حبیب‌پور، کرم. موسوی خورشیدی، سید حمیدرضا. (۱۳۹۵). رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهروندان قم). رفاه اجتماعی، ۱۶ (۶۲): ۳۵۹-۳۹۱.
- دورکیم، امیل. (۱۳۹۴). تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. بابل. کتاب سرا.
- درینی، ولی محمد. محمد، تابان. احسان، نامدار جویمی. ناصر باهنر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه نمادین (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۶ (۳۱): ۲۵-۳۲.
- ریتزر، جورج. (۱۳۹۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ شانزدهم.
- روشه، گی. (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی: ۱- کنش اجتماعی ۲- سازمان اجتماعی. مترجم: هما زنجانی‌زاده. انتشارات سمت.
- رحمتی، صمد. هوشمندی، رودابه. موسوی انزهایی، آرزو سادات. دهاقین، وحیده. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر تحمل‌پریشانی و حل مسئله اجتماعی نوجوانان بزهکار. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱۰ (۳۷): ۴۵-۶۴.

سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۹). درس هایی در فلسفه علم الاجتماع. نشر نی، ۱۳۷۹ تهران.

شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی مفاهیم اصلی و چارچوب نوای فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۲. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

شکری، امید. کدیور، پروین. دانشورپور، زهره. (۱۳۸۶). تفاوت های جنسیتی در بهزیستی ذهنی: نقش ویژگی های شخصیت. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۳ (۳): ۲۸۰-۲۸۹.

علامه، فرید. آقایی، اصغر. آتش پور، حمید. مشتاقی، مرضیه (۱۳۹۶). تأثیر آموزش گروهی تحلیل رفتار متقابل بر شادکامی مردان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره و فرهنگ سراها، مجله علمی- پژوهشی پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶-۲۷-۳۲.

عیوضی، لطیف (۱۳۹۳). کنش انسانی مقهور کنش اجتماعی. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۱۶(۴): ۴-۸.

قاضی، احمد. ضرغام حاجبی، مجید. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی واقعیت درمانی با تحلیل رفتار متقابل بر عوامل شخصیتی معنادان بهبودیافته. فصلنامه تعالی مشاوره و روان درمانی، ۹(۳۵) قاضی، احمد، ضرغام حاجبی، مجید. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی واقعیت درمانی با تحلیل رفتار متقابل بر عوامل شخصیتی معنادان بهبودیافته. فصلنامه تعالی مشاوره و روان درمانی، ۹(۳۵): ۳۶-۴۶.

فیست، گرگوری. فیست، جس. (۱۳۹۹). نظریه های شخصیت. نشر: روان.

قاسمی، وحید. اسماعیلی، رضا. ربیعی، کامران. (۱۳۸۵). سطح بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان های استان اصفهان. رفاه اجتماعی، ۶(۲۳): ۲۲۵-۲۴۸.

کنعانی، محمدامین. عزیزخانی، اقباله. کلانتری، حوریه. (۱۳۹۳). انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و رابطه آنها با خشونت خانگی علیه زنان. مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۰(۳۹): ۶۵-۷۶.

کوزر، لیونیس. (۱۳۹۹). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ماجدی، سید مسعود. لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس. روستا و توسعه، ۹(۴): ۹۱-۱۳۵.

محمدی، اسفندیار. پیرزادیان، محسن. نامدار جویمی، احسان. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با سرمایه فرهنگی (مطالعه موردی، دانشگاه دولتی ایلام). سومین همایش ملی سالیانه علوم مدیریت نوین، گرگان.

ناصری تفتی، نگین. (۱۳۸۵). نقش تعاملی ورزش و ویژگیهای شخصیتی در تحول روانی اجتماعی دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

نقیب زاده، احمد؛ استوار، مجید. (۱۳۹۱). بورديو و قدرت نمادین. سیاست. ۲۲: ۲۷۹-۲۹۴.

هزار دستان، فائزه. (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش گروهی به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر دلبستگی نوجوانان دختر شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره گرایش

یوسفی، علی رضا؛ کریمی، فریبا. (۱۳۹۷). بررسی الگوی ارتباطی مدیران دبیرستانهای شهر اصفهان بر اساس نظریه تحلیل رفتار متقابل. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی زمستان ۱۳۷۹. ۱۱-۱: ۶-

Davis, J. B. (2014). Social Capital and Social Identity: Trust and Conflict. Forthcoming in A. Christoforou & J. Davis (Eds.). (2005). Social Capital and Economics: Social Values, Power, and Identity (8-10). London: Routledge.

Kawachi, H., Eishi, Y., Ueno, H., Nemoto, T., Fujimori, T., Iwashita, A., ... & Sugihara, K. (2015). A three-tier classification system based on the depth of submucosal invasion and budding/sprouting can improve the treatment strategy for T1 colorectal cancer: a retrospective multicenter study. *Modern Pathology*, 28(6), 872-879.

Porters, A. (1998). "Social capital: its origins and Application in modern sociology", annual review of sociology, v.24. p. 1-24.

Reiter, M. D., Liput, T., & Nirmal, R. (2007). Personality Preferences of College Student-Athletes. *College Student Journal*, 41(1).

Shekarchizadeh. P. Karimian. (2010). "Personality as predictor of happiness in male athlete and non – athlete students of Isfahan university". 25(1):843-892.

Swartz. D, (2010), *Culture & Power: The sociology of Pierre Bourdieu*, The University of Chicago Press.

- Soithong, W. (2011). Social Capital, People's Political Participation and Institutional Performance of Local Government in the North of Thailand (Unpublished Doctoral dissertation). University of Adelaide, Australia.

Turiano, N.A.; Whiteman, S.H.D; Hampson, S.E; Roberts, B.W. & Mroczek, D.K. (2012). Personality and Substance Use in Midlife: Conscientiousness as a Moderator and the Effects of Trait Change. *Journal of Research in Personality*, vol. 46, no. 3, pp. 295-305

Tran, L. T. & Pham, L (2015). International students in transnational mobility: Intercultural Connectedness with domestic and international peers, institutions and the wider community. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*.

Windle, Rod & Warren, Suzanne (2011). "Communication Skills": <http://www.directionservice.Org/cadre/section.cofom>

Molesworth, M., Grigore, G. F., & Jenkins, R. (2018). Games people play with brands: An application of Transactional Analysis to marketplace relationships. *Marketing Theory*, 18(1), 121-146.

Ulker Dorttepe, Z., & Keser, I. (2016). Transactional Analysis Approach in Patient-Nurse Communication (Chapter 4). St. Kliment Ohridski University Press (Sofia), Editors: A. A. Camli, B. Ak, R. Arabaci, R. Efe, pp. 32-42.